

بسم الله الرحمن الرحيم

زبان ۲- ارشد/ دکتر زندیه/ فروردین ۹۹

جلسه پنجم

توجه:

از آنجا که دانشجویان موظف هستند برای گذراندن این درس مقاله یا بخشی از مقاله یا کتاب را ترجمه کنند لطفاً پیشنهاد خود را برای ترجمه متن مورد نظر خود ارائه کنید. متن مورد نظر از ۱۰ صفحه کمتر نباشد.

با توجه به برگزاری غیر حضوری کلاسها نمره ترجمه این ترم نسبت به ترم گذشته بیشتر است.

متن پیشنهادی میتواند مقالات دیگری در مورد نیچه باشد.

متن پیشنهادی خود را برای بنده ارسال فرمایید تا در مورد آن تصمیم گیری شود.

---

ابتدا جمله‌ها را ترجمه بفرمایید و سپس به ترجمه آن‌ها مراجعه کنید.

---

صفحه ۱۶ پاراگراف ۲:

**تأمل چهارم و جدایی از واگنر:**<sup>۱</sup> نیچه اکنون با مسائل فلسفی مواجه شده بود که نمی‌توانست آن‌ها را حل کند.

او طی سه سال بعد فقط یک کتاب کوتاه، تأملش در باره ریچارد واگنر در بایرویت (۱۸۷۹) را چاپ کرد.

او از سال ۱۸۷۸ تا ۱۸۸۹ سالی یک کتاب چاپ کرد.

اما او در سال ۱۸۷۵ به بحرانی نزدیک شد که نه تنها فلسفی بلکه شخصی بود.

### صفحه ۱۶ پاراگراف ۳:

---

۱. واگنر (۱۸۱۳ - ۱۸۸۳) آهنگ‌ساز، رهبر ارکستر، نظریه پرداز موسیقی و مقاله‌نویس آلمانی است. شهرت او بیشتر به خاطر اپراهای اوست. در دنیای موسیقی کلاسیک از او به عنوان ادامه‌دهنده راه بتهوون یاد می‌کنند. نوآوری‌های واگنر در زمینه موسیقی کلاسیک اروپایی تأثیر زیادی بر آهنگسازان بعد از او و بر موسیقی فیلم در سده بیستم داشت.

سه تأمل اول با فاصله شش ماه از یکدیگر چاپ شدند؛ تأمل چهارم که در باره واگنر بود چندین مرتبه به تعویق افتاد و سرانجام بعد از یک وقفه دوساله چاپ شد.

در ضمن، نیچه در یادداشت‌های خود برخی از نکات اساسی در مورد نقد بعدی خود به واگنر، یعنی *قضیه واگنر*<sup>۲</sup> (۱۸۸۸) را پیش‌بینی می‌کند.

در سال ۱۸۷۸ دوستی آن‌ها به پایان مارسد.

### صفحه ۱۶ پاراگراف ۴:

سه دلیل برای تبیین این گسست کفایت می‌کند، اگرچه دلایل دیگری هم می‌توانند سهم باشند.

اولین دلیل اینکه بنابر نظر نیچه، «نمی‌توان در خدمت دو استاد بود هنگامی که یکی از آن‌ها واگنر نامیده شود» (*قضیه واگنر*).

---

۲. *سرگذشت واگنر یا قضیه واگنر*، در حقیقت اعلامیه جداشدن نیچه از هنرمند آلمانی به خاطر درگیری بیش از حد در طرفداری از نظریات بوشکویچ و یهودستیزی از دید نیچه بود.

واگنر از نیچه به عنوان پیروِ واگنریسم، به عنوان استادی که برای این آرمان اعتبار آورد، و به عنوان دوست جوانی که می‌توانست از او برای خرید کریسمس و امور روزانه درخواست کند، تقدیر می‌کرد.

واگنر درخواست تغییراتی را در نتایج کتاب **زایش تراژدی** و تأمل سوم کرده بود و تأمل دوم را که هیچ ارجاع خاصی به او نداده بود، نپسندید.

نیچه برای اینکه خود را نشان دهد باید از واگنر جدا می‌شد.

### صفحه ۱۷ پاراگراف ۱:

دلیل دوم اینکه نیچه بدگمانی فزاینده‌ای نسبت به بسیاری از عقایدِ محبوبِ واگنر، از قبیل ملیت‌گرایی او، و تنفر او از فرانسوی‌ها و یهودی‌ها داشت.

مادامی که این آهنگساز در تربیشن، سوئیس، زندگی می‌کرد امکان داشت که چنین طرز تفکر خاصی را نادیده گرفت.

نباید از خاطر برد<sup>۳</sup> که ارتباط نزدیک داشتن با بزرگ‌ترین هنرمند آلمان در آن زمان اهمیت زیادی داشت.

اما هنگامی که واگنر به بایرویت نقل مکان کرد و با امپراتوری جدید آلمان از در صلح درآمد، و عامل مؤثر فرهنگی درجه یک شد، نیچه مجبور شد (در مقابل او) موضع بگیرد.

### صفحه ۱۷ پاراگراف ۲:

اعتراض او به *اپرای پارسيفال* واگنر،<sup>۴</sup> که به نحو گسترده‌ای اعتقاد بر این است که به جدایی میان آن‌ها سرعت بخشید، این بود که اپرای واگنر، خیانت به صداقت و شرافت است.

---

۳. after all = معنی و مثالها در پایان جزوه آمده است.

۴. پارسيفال نام اپرایی در سه پرده از ریشارد واگنر، آهنگساز و فیلسوف نامی آلمانی است. این اپرا آخرین و مشهورترین اپرای واگنر است و بر خلاف دیگر آثار او فلسفی و عرفانی است. واگنر نوشتن این شاهکار را از سال ۱۸۵۷ آغاز کرد و اولین بار در سال ۱۸۸۲ میلادی به روی صحنه رفت. (۲۵ سال نگارش آن ادامه یافت). او در این اپرا تنها داستانی تاریخی و قهرمانانه، و عاشقانه را روایت نمی‌کند، بلکه این داستان با دین و همچنین با میل، رنج و رستگاری سر و کار دارد. او در این اثر با مسیحیت سروکار دارد، اما هر انسانی با هر عقیده‌ای می‌تواند با پارسيفال ارتباط برقرار کند. پارسيفال کسی است که برایش مقدر شده تا با حفاظت از جام مقدس در آخرین روزهای مسیح، پیمان برادری شوالیه‌ها را نجات دهد. اما برخورد او با کوندری و عشق‌شان، بر هر دوی آنها اثر می‌گذارد. وقتی کوندری درمی‌یابد که پارسيفال کیست یا چه می‌تواند باشد،

چگونه ممکن است آسفیلوس مدرن مدعی، آرمان ضد یونانی «حماقت محض» را جشن

بگیرد؟

چگونه مرید درجه یک شوپنهاور، که تاکنون ملحدی بوده که خود به آن اعتراف داشته،

می‌تواند از مسیحیت برای آثار نمایشی خود استفاده کند؟

با این حال این جدایی در ژانویه ۱۸۷۸ هنگامی که واگنر **آپرای پارسيفال** خود را برای

نیچه فرستاد، قطعی نشده بود؛ این جدایی در ماه می، هنگامی که نیچه برای واگنر کتاب **بشری**

**بیس بشری** را با حکمتی از دکارت و تقدیم به ولتر فرستاد، قطعیت یافت.

در اگوست، واگنر در مجله **با پرویت بالاتر** به نیچه انتقاد کرد.

بنابراین سومین دلیل جدایی این است که رشد نیچه از شوپنهاور به ولتر، و از مقالاتی با لحن

رمانتیک به کلمات قصار، براساس<sup>۵</sup> الگوی فرانسوی، علاوه جدایی از ناسیونالیسم به نفع آرمان

---

تغییراتی در او به وجود می‌آید و عاشق او می‌شود. ارتباط این دو با هم باعث میشود درکی روشن در او به وجود آید. به آینده اشراف پیدا کند و بداند ماموریتش چیست و می‌تواند با آن همه چیز را تغییر دهد.

۵. after = معنا و مثالها در پایان جزوه آمده است.

«اروپایی خوب»، از نظر واگنر دست کم به همان اندازه غیرقابل بخشش است که اجرای اُپرای واگنر از دیدگاه نیچه غیرقابل بخشش است.

### صفحه ۱۸ پاراگراف ۱:

نیچه «هرگز واگنر را که ... رایش آلمان شده بود، نبخشید» (*آنگ انسان*).

درواقع، مقالات ضد یهودی واگنر عمیقاً دامادش هوستیون استیورات چمبرلین،<sup>۶</sup> نویسنده کتاب *بنیاد سده نوزدهم*؛ فیلسوف رسمی حزب نازی، آلفرد روزنبرگ،<sup>۷</sup> نویسنده کتاب *افسانه سده بیستم*؛ و مهم تر از همه هیتلر را تحت تأثیر قرار داد.

---

۶. نویسنده آلمانی انگلیسی تبار. از معروف ترین حامیان اندیشه های نژادگرایانه در قرن بیستم. او در سال ۱۸۹۸ کتاب خود را منتشر کرد که در آن تاریخ معاصر اروپا را به عنوان عرصه تعارض دو نژاد آریایی و سامی ترسیم می کرد. صدها هزار نسخه از کتاب چمبرلین در سراسر اروپا توزیع شد و بر فرهنگ آلمانی تأثیرات عمیق بر جای نهاد و پایه های فکری ناسیونالیسم مهاجم آلمان را استوار ساخت. قیصر ویلهلم دوم شخصاً این کتاب را برای فرزندانش می خواند و دستور داد این کتاب در دانشگاه افسری آلمان تدریس شود. این سرآغاز موجی است که بشریت را به سوی اولین و عظیم ترین جنگ جهانی سوق داد و در عین حال پایه های جریانی را بنا نهاد که دومین جنگ جهانی را به راه انداخت. وی همسر او فون بولو دختر ریشارد واگنر بود.

طهارت و پاک‌دامنی نیچه در مقابل تأثیر واگنر و در مقابل برنارد فورستر،<sup>۸</sup> رهبر یهودی

ستیز واگنری، که خواهر فیلسوف در سال ۱۸۸۵ با او ازدواج کرد، سزاوار تأکید است.

---

۷. تئوریسین بزرگ حزب ملی سوسیالیست کارگران آلمان بود. او در کل دوره حکومت ناسیونال سوسیالیسم در آلمان رئیس دفتر سیاست خارجی حزب ملی سوسیالیست کارگران آلمان بود. مدرک تحصیلی او مهندسی عمران بود و طرح پایان نامه او در مورد کوره های مرده سوزی بود و برخی از مورخین او را به عنوان مبتکر کوره های آدم سوزی در هولوکاست میدانند. وی معتقد بود تنها راه نجات آلمان در بازگشت این کشور به سنت های نژاد آریایی است و کتابی نیز با نام *افسانه قرن بیستم* در همین مورد نوشته بود که در کنار کتاب *نبرد من* آدولف هیتلر مهم ترین کتاب ایدئولوژیک رایش سوم به شمار می رفت. وی در کتابش دین اصلی نژاد آریایی را ادیان باستانی قوم ژرمن معرفی می کند و ادیان اسلام و مسیحیت را به عنوان دینهای یهودی نفی می کند.

۸. همسر خواهر نیچه که الیزابت نام داشت. الیزابت دو سال از نیچه کوچکتر بود. این دو خواهر و برادر دوران کودکی و سالیان ابتدایی بزرگسالی را با یکدیگر گذراندند. با این حال، ازدواج الیزابت در سال ۱۸۸۵ با برنارد فورستر میان آنها جدایی افکند. فورستر که پیش از آن به تدریس در دبیرستانها مشغول بود، در آن زمان یک یهودستیز و ملی گرای آلمانی برجسته به شمار می رفت. خواهر نیچه بنیانگذار *بایگانی نیچه* بود. الیزابت در دوران زوال مغزی نیچه، در جایگاه سرپرست برادرش به عنوان مسئول و ویراستار دست نوشته های او شناخته شد. او نوشته های چاپ نشده نیچه را به منظور مطابقت با ایدئولوژی شخصی خود بازنویسی کرد، به گونه ای که اغلب در تضادی آشکار با عقاید شناخته شده نیچه در باب ضدیت با یهودستیزی و ملی گرایی قرار می گرفتند. با جرح و تعدیل های صورت گرفته از سوی الیزابت، نام نیچه به نظامی گری آلمان و نازیسم پیوند خورد؛ هر چند پس از آن پژوهشگران متعددی در قرن بیستم اشتباه بودن چنین برداشتی از اندیشه های نیچه را به اثبات رساندند.



## صفحه ۱۸ پاراگراف ۲:

پنج کتاب که به صورت کلمات قصار نگاشته شدند. **بشری بس بشری**<sup>۹</sup> (۱۸۷۸) که عنوان فرعی «کتابی برای ارواح آزاد» داشت. در طی زمستان ۱۸۷۷/۱۸۷۸، بیماری نیچه او را واداشت تا از وزارت آموزش (تعلیم و تربیت) مرخصی بگیرد. (درد) چشم‌ها، سر و معده او ادامه یافت و باعث شد او آن‌قدر درمانده شود که در می ۱۸۷۹ از دانشگاه استعفا دهد.

در ماه ژوئن به او یک مقررری اعطا شد.

از آن به بعد، او کاملاً آزاد و تنها بود و همه قوت باقی مانده خود را وقف نوشته‌هایش کرد.

## صفحه ۱۸ پاراگراف ۳:

---

۹. این کتاب با نام **انسانی بسیار انسانی: کتابی برای جانهای آزاده** توسط سعید فیروز آبادی ترجمه شده است. نیچه در این کتاب به مسائل مهم در حوزه متافیزیک و اندیشه‌های مطرح در اروپا می‌پردازد و نخستین و واپسین امور انسانی را تحلیل می‌کند.

در مهر و موم‌های ۱۸۷۹ و ۱۸۸۰ دو ضمیمه (برای کتاب *بشری بس بشری*) چاپ شد -  
«آمیخته‌ای از آراء و کلمات قصار» و «آواره و سایه‌اش».

در ویرایش‌های بعدی هر سه کتاب ذیل عنوان کلی *بشری بس بشری* قرار گرفتند.

هر سه کتاب شامل کلمات قصار، عمدتاً در یک صفحه یا کمتر از آن، و با ارتباط و پیوستگی اندکی بین آن‌ها، نوشته شدند.

همچنین کتاب‌هایی که به صورت کلمات قصار نوشته شدند *سپیده‌دم: تأملاتی بر پیش‌داوری‌های اخلاقی*<sup>۱۰</sup> (۱۸۸۱)، که با عنوان *سپیده‌دم روز* ترجمه شده است) و

---

۱۰. این کتاب با نام *سپیده دمان: اندیشه‌هایی در باب پیش‌داوریهای اخلاقی* توسط آقای علی عبداللهی ترجمه شده است. سپیده‌دمان محصول دوره دوم آفرینش فلسفی نیچه است. جملات قصار و نثر شعرگونه‌ی نیچه در این کتاب که نشان‌دهنده‌ی ظهور فلسفه‌ی به بلوغ رسیده‌ی اوست، به تکانه‌هایی می‌پردازد که انسان‌ها را وادار می‌کنند تا در دین، اخلاقیات، متافیزیک، و هنر به دنبال تسلی باشند. نیچه در کتاب *سپیده دمان*، فردگرایی شدیدتر و رشد شخصیتی را چاره‌ی کار می‌داند، به مسائل اجتماع و خانواده می‌پردازد و از ضمیرهایی آزاد سخن به میان می‌آورد که شجاعت‌رهایی از تبعیضات آرمان‌گرایانه را دارند. این اثر ارزشمند که با سبک متمایز و گاه‌ها متناقض نیچه نوشته شده، تقریباً به همه‌ی موضوعاتی که در آثار بعدی او مورد بررسی قرار گرفته‌اند، می‌پردازد.

دانش شاد<sup>۱۱</sup> (۱۸۸۲) که با عنوان **حکمت شادان** ترجمه شده است) یقیناً بهترین کتاب‌های

نیچه تا آن زمان بودند. خوانندگانی که از تندی سبک بعدی او ناخرسند هستند، می‌توانند این

آثار را خوشایندتر بیابند؛ نثر آن‌ها عالی است، و مملو از ملاحظات عمیق هستند.

### **After all: to introduce a good reason which the person who is listening seems to have forgotten**

برای معرفی کردن دلیل خوبی می‌آید که به نظر میرسد شنونده فراموش کرده است و به معنای «نباید از خاطر برد، نباید فراموش کرد، باید به خاطر داشت، و امثال آن» ترجمه می‌شود.

- I think we should let her go on holiday alone. After all, she is fifteen; she is not a child any more.
- You must look up to him. After all, he is your father.
- Descartes provided a philosophy that gave an even more prominent place to God that did Aristotle's philosophy. In

---

۱۱. این کتاب با عنوان **حکمت شادان** توسط آقایان سعید کامران، جلال آل احمد و حامد فولادوند ترجمه شده است. این اثر جزء خصوصی‌ترین نوشته‌های نیچه محسوب می‌شود زیرا آن را پس از بهبودی از بیماری تألیف و به دوشیزه‌ای به نام سالومه تقدیم کرده است. نام آن به توجه نیچه بر زندگی شاعران و رامشگران جنوب فرانسه دلالت دارد که بر اساس عشق و جوانمردی و شادی زندگی می‌کردند. موضوع این کتاب در باره مرگ خداست.

Aristotle, after all, the natural world only needed a "prime mover" to bring it in to being.

---

### **After**

به معنای

### **in accordance with**

یکی از معانی **after** «مطابق با، بر اساس، از روی، به سبک، به شیوه و مانند» است. گاهی پس از **after** به این معنا کلمه **manner** می‌آید که در عمل ترجمه نمی‌شود.

We have named the baby after you.

«ما نوزاد را از روی نام تو نام‌گذاری کردیم. / ما نام تو را بر نوزاد گذاشتیم.»

The bridge was named Waterloo after the famous battle.

«پل بر اساس آن نبرد مشهور، واترلو نامیده شد.»

He is a man after my own heart.

«او مردی مطابق میل من است. / او مرد دلخواه من است.»

This is a painting after Picasso.

«این یک نقاشی به سبک پیکاسو است.»

چند مثال فلسفی:

The relation of substance to the universe is conceived by Spinoza after the manner of the relation of the whole to the part.

اسپینوزا نسبت جوهر با جهان را مانند نسبت کل با جزء تصور کرده است.

The soul is to Plato the very pattern after which men have formed their notion of god.

نفس نزد افلاطون همان الگویی است که انسان‌ها مفهوم خود را از خدا را بر اساس آن شکل داده‌اند.